

بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های جانبازان متاهل ساری

دکتر حمید پوریوسفی

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
(نویسنده و مسئول مکاتبات)

عبدالرضا شریعت‌نژاد

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های جانبازان متاهل شهر ساری می‌باشد روش پژوهش از نوع پیمایشی و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۳۶ نفر از جانبازان متاهل شهرستان ساری از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش و داده‌های مربوطه موید این است که آسیب‌های اجتماعی خانواده در جانبازان با عواملی چون میزان مشارکت اجتماعی پایگاه اجتماعی و اقتصادی جانبازان و پایداری به ارزش‌های انقلاب اسلامی در جانبازان رابطه معنادار و معکوس دارد و نوع جانبازی آسیب‌های اجتماعی رابطه معنی دار دارد.

واژگان کلیدی

آسیب‌های اجتماعی، جانبازان، نوع جانبازی، شدت جانبازی

مقدمه

حوزه‌ها آسیب‌ها خطرناک‌ترند، همواره به عنوان دست مایه‌ای برای اندیشیدن می‌باشد.

خانواده، حوزه‌ای با اهمیت سلول بنیادین جامعه است که بسیاری از برنامه‌های آینده یک جامعه لزوماً و تنها از این واحد قابل برنامه‌ریزی و اجرا می‌باشد. خانواده‌ها که از اجزای اصلی جوامع بشری می‌باشند، در تماس با سایر نهادها و اجزا همواره در معرض آسیب‌ها و خطرات قرار دارند.

در عین حال جدای از حوزه جامعه‌شناختی که مطالعه آسیب‌ها را مهم می‌نماید شرایط ویژه‌ای که از نظر زمان، مکان و یا شرایط خاص افراد نیز بر اهمیت مساله می‌افزایند.

جانبازان جنگ هم چنان که بخشی از زندگی خود را دور از خانواده‌ها و در میداین جنگ گذرانند در جامعه و شهر و روستای خویش زندگی معمول و متعارفی دارند. در سال‌های جنگ همه نگاه‌ها به جبهه و جنگ بود. رزمندگان هم در میداین جنگ و هم در پشت جبهه از توجه و اقبال ویژه‌ای برخوردار بودند. بسیاری از نگاه‌ها کمتر متوجه خانه و خانواده و در این میان جنگ به همراه همه سختی‌ها و خرابی‌های مادی و معنوی که از خود بر جای گذاشت، جدای از خرابی خانه‌ها، زیرساخت‌ها و ... جسم گروهی از رزمندگان را درگیر مشکلات و عوارض و جراحات جنگی نمود.

بالاخره جنگ به پایان رسید و رزمندگان به زندگی آرام پس از جنگ بازگشتند. اینک رزمنده دیروز و جانباز امروز مرد یک خانواده است. وی دیگر مسئولیت‌های جنگی را به فراموشی سپرده و باید به وظایفی که عرف، قانون و جامعه برای وی در قبال همسر و فرزندان تعریف کرده پیردازد. جانباز اما با مشکلاتی در جسم و روان به خانه بازگشته، وی در انجام بسیاری از امور شخصی خویش هم نیازمند کمک دیگران است. بسته به نوع جانبازی و شدت آن مشکلات آنها متفاوت است اما خانواده زنده بوده و در

خانواده، پایه و سلول پر اهمیت تمام جوامع بشری است. آن جا که سخن از خانواده می‌رود هیچ کس کمترین شکی در دادن بالاترین امتیاز به اهمیت آن ندارد. جامعه سالم، جامعه‌ای است که در آن نیروی فکری سالم پرورش یافته باشد، تا تفکرات، قواعد، قوانین و هنجارهای جامعه را به درستی رعایت و از آن پاسداری سالم پرورش یافته باشد، تا تفکرات، قواعد، قوانین و هنجارهای جامعه را به درستی رعایت و از آن پاسداری نمایند. خانواده سالم، سرمایه‌ای مطمئن و مانا برای جامعه محسوب می‌گردد.

اما گاهی شرایطی در افراد وجود دارد که این بحث را جدی‌تر می‌نماید. جانبازی یا همان معلولیت ناشی از جراحات جنگی شرایط خاصی را برای زندگی پدید می‌آورد که جانباز باید با برقراری تطابق میان این عوامل متضاد به زندگی ادامه دهد. این مساله که اختلال در فرایند زندگی عادی محسوب می‌گردد، می‌تواند به یک مساله اجتماعی و در نهایت به یک آسیب منجر گردد. از آن جا که خانواده نخستین واحد مرتبط با جانباز (یا هر فرد دیگر) است، در نتیجه بیشترین آسیب متوجه این کانون با اهمیت می‌باشد.

طرح مساله

آسیب‌های اجتماعی، مقولاتی هستند که همواره به همراه انسان و جوامع انسانی بوده و هستند. جهان امروز ما به دلیل شرایط خاصی که رشد سریع تکنولوژی موجب آن می‌باشد، با مسائل و مشکلات فراوانی درگیر می‌باشد. قتل، آدم‌ربایی، اعتیاد، خودکشی، طلاق و... نمونه‌هایی از این دست مشکلات هستند که آسیب‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند. این که چه آسیب‌هایی، در چه جوامعی بیشتر روی می‌دهد و یا اینکه چه شرایط و ویژگی‌هایی می‌تواند موجب بروز کدام نوع از آسیب‌ها گردد و یا اصولاً در کدام

تعریف شده اجتماعی برای پدر و همسر خانواده را در خود نمی‌بیند دچار یاس و سردرگمی می‌شود. جامعه تعاریف مشخصی از نقش‌ها و پایگاه‌های افراد دارد و انتظار هم می‌رود برای آنکه یک نظام اجتماعی همانند یک سیستم سالم به وظایف خویش عمل نماید هر کدام از اجزا این نظام در جای خود و به درستی وظایف خود را به انجام برسانند. همچنین جامعه همه اجزای خویش را با توجه به کارآیی و کارکردی که برای جامعه دارند تعریف کرده، زمانی که عنوان پدر یا همسر به کسی می‌دهد به این معنی است که وی باید بتواند آنچه را که جامعه برایش تعریف کرده انجام دهد در غیر این صورت باید منتظر بروز مشکلات و آسیب‌هایی باشیم.

اینک، با توجه به آنچه گفته شد و با توجه به محدودیت‌های جسمی که جانبازان با آن روبرو هستند، احساس می‌شود که خانواده‌های جانبازان بیش از سایر خانواده‌ها در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. اما مسأله‌ای که وجود دارد این است که اولاً چه عواملی هستند که ممکن است بر این آسیب‌ها اثر گذار باشند؟ اینک این پرسش مطرح می‌گردد که آیا می‌توان پذیرفت که این عارضه‌ها موجب بروز آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های جانبازان گردند؟ اگر جواب مثبت باشد، سطح و ژرفای این آسیب‌ها تا چه حد است؟ چه عواملی هستند که خانواده‌های جانبازان را دچار آسیب می‌نماید؟ چه تعداد از این آسیب‌ها در ارتباط مستقیم با جانباز بودن است؟ اگر طلاق رخ می‌دهد، اگر اعتیادی اتفاق می‌افتد اگر جانباز خودکشی کند ... چه مقدار از این معضلات با جانباز بودن ارتباط دارد؟

آیا اینکه نوع جانبازی چه باشد در میزان بروز آسیب‌ها موثر است؟ آیا بین جانباز شیمیایی با جانباز اعصاب و روان در میزان بروز آسیب‌های خانواده تفاوتی وجود دارد؟ با سایر انواع جانبازی چطور؟

این جامعه زندگی می‌کند. فرزندان پدر می‌خواهند و وظایف پدری تقریباً تعریف شده است. آنها می‌خواهند به همراه پدر به مسافرت، گردش، تفریح و میهمانی بروند. فرزندان خردسال جانباز می‌خواهد تا پدرش او را به پارک ببرد و با او بازی کند او انتظار دارد تا پدر برای جلسه اولیا و مربیان حضور یابد. فرزند همچنان که بزرگتر می‌شود نیازمند همراهی و هم‌پایی و حتی مراقبت بیشتر پدر است. احساس امنیت زمانی در فرزندان تقویت می‌شود که احساس کنند. در خانواده پشتوانه‌های قابل اتکایی دارند تا به گاه مشکل و مصیبت به این پشتوانه‌ها پناه برند. اما ناتوانی جسمی و روانی جانباز می‌تواند این پایگاه و تکیه‌گاه را ناامن و نامطمئن جلوه دهد. این ناامنی وی را به دنبال یافتن جایگزین برای تکیه‌گاه می‌فرستد و چون پدر را در کنترل و مراقبت خویش ناتوان یافت، ممکن است در دام انواع مکافات‌ها و آسیب‌های اجتماعی گرفتار شود. اعتیاد، دوستان نایاب، خودکشی در اثر سرخوردگی و انزوا ... از آسیب‌های ممکن می‌باشند.

همسر جانباز نیز به نوبه خود با آمال و آرزوهایی با جانباز ازدواج کرد اما امروز قرار گرفتن در شرایط سخت بیمار داری که صبر می‌طلبد، هم انگیزه و هم انرژی، بسیاری از اهداف دست‌یافتنی دیروز زندگی را برای آنها تبدیل به ناممکن کرده است. همسر جانباز از داشتن پشتوانه قابل اتکا در زندگی، خود را محروم یافته، ممکن است در زندگی احساس یاس و ناامنی نماید به ویژه اگر شرایط جسمی جانباز به گونه‌ای باشد که معاشرت خانوادگی با دوستان و فامیل را محدود کرده باشد نوعی احساس تنهایی و گوشه‌گیری در خانواده تولید خواهد شد.

اما خود جانباز نیز از دامنه این آسیب‌ها در امان نمی‌باشد. مرد و پدر خانواده‌ای که به دلیل شرایط خاص جسمی خویش اینک بسیاری از کارکردهای

آیا شدت جانبازی با بروز آسیب در خانواده‌های جانبازان ارتباطی دارد؟ اگر جانباز با تلاش و کوشش بتواند با غلبه بر بسیاری از مشکلات سطح فعالیت‌ها و روابط اجتماعی خود را افزایش دهد می‌توان از بروز آسیب‌ها پیشگیری نمود؟

هدف پژوهش

این پژوهش با دو هدف، بررسی میزان و نوع آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های جانبازان و بررسی و شناخت عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های جانبازان به سرانجام رسیده است.

مبانی نظری پژوهش

نظریه آنومی (بی‌هنجاری) دورکیم

از این نظریه به ناهماهنگی در سازمان‌های اجتماعی یا بی‌سازمانی هم یاد می‌کنند. در این دیدگاه به جامعه به صورت یک نظام سازمان یافته نگریسته می‌شود که اجزای آن به صورت منظم و هماهنگ به هم پیوند خورده‌اند. مساله اجتماعی که گام قبل از بروز آسیب اجتماعی است، زمانی پدید می‌آید که بخش یا جزئی از اجزاء کلی نظام هماهنگ با هنجارهای تعریف شده عمل ننماید. در نتیجه مساله اجتماعی بروز می‌نماید. مثلاً زمانی که در جامعه‌ای سنتی مانند ایران به همراه داشتن حیوانی مانند سگ در خیابان یک رفتار نابهنجار می‌باشد، فردی که با خود سگ به همراه دارد در خلاف جهت هنجارهای اجتماعی حرکت کرده. این مساله که با نگاه‌های پرسشگرانه و گاهی انتقادات کلامی مطرح می‌گردد یک مساله اجتماعی است. حال اگر در اجزاء ساختاری یک نظام اجتماعی بخش ناهماهنگ با سایر بخش‌ها باشد، موجب کاهش کارایی کی سیستم می‌گردد، چرا که توازن و تعادل کل نظام را بر هم زده است.

باید توجه نمود که آنومی یا ناهنجاری را اصولاً محصول تغییرات و به ویژه تغییرات سریع می‌دانند چرا که اندیشمندان معتقدند سرعت تغییرات اجازه پدید آمدن جایگزین‌های مناسب برای وقایع اجتماعی تغییر یافته را نمی‌دهند.

دورکیم از جمله نظریه‌پردازان قرن نوزدهم است که به بررسی رفتاری در جامعه از دیدگاه جامعه‌شناختی پرداخت. او درباره رابطه انسان و آرزوهایش بحث می‌کند و معتقد است در شرایط اجتماعی استوار و پایدار آرزوهای انسان از طریق هنجارهای جامعه تنظیم و محدود می‌شود از این رو با از بین رفتن کنترل آرزوها یک وضعیت آرزوهای بی حد و حصر یا آنومی به وجود می‌آید. از آن جایی که این آرزوهای بی حد و حصر نمی‌تواند ارضا شود در نتیجه یک وضعیت نارضایتی در جریان‌های اقدامات اجتماعی منفی نظیر خودکشی، تبهکاری، طلاق، اعتیاد و ... ظاهر می‌گردد که از نظر آماری نیز قابل بخشش می‌باشد. (رفعی پور ۱۳۷۸؛ آقا بخش ۱۳۷۹؛ ممتاز ۱۳۸۱)

بنابراین، تغییراتی که می‌خواهند یک پدیده اجتماعی را جایگزین پدیده دیگر نمایند اگر نتوانند به موقع و درست عمل نمایند ساختار و سازمان جامعه را که برای رسیدن به هدف یا اهداف خاص شکل گرفته دچار تغییر می‌نمایند که منجر به کاستی و ضعف و به هم ریختن نظم آن سازمان می‌شود و چون نتوانسته‌اند چیزی را حداقل مناسب با جایگاه لازم) جایگزین نمایند بی‌سازمانی پدید می‌آید. هنجارهای قلبی بی ارزش، کم رنگ و ناتوان در کنترل جامعه می‌شوند.

همانگونه که می‌دانیم کارکردگرهای ساختاری معتقدند که هر امری در جامعه باید کارکردی داشته باشد تا جامعه به تعادل و توازن برسد. تغییرات سریع توازن و تعادل جامعه را بر هم می‌زند و اگر نتوان جایگزین مناسب پدیده تغییر یافته را یافت و معرفی نمود کارکرد آن بخش از جامعه را هم به نحو قابل

یک سطح از برخورداری قرار نمی‌دهد. این امر خود موجب بروز مسائل و آسیب‌های اجتماعی می‌گردند. مرتن، بی‌هنجاری را به فشاری اطلاق می‌کند که با هنجارهای پذیرفته شده و واقعیت اجتماعی در ستیزند. در واقع این نظریه انحراف را به عنوان نتیجه فشارهای ساختاری که مردم را تحت فشار قرار می‌دهد تبیین می‌کند. (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۲۹) اما مرتن بر حسب این که از وسایل و اهداف کدام مشروع و نامشروع یا کدام در دسترس و کدام دور از دسترس هستند چهار نوع روش را که مردم در برخورد با فشارهای ساختاری دارند شناسایی کرد.

نظریه همبستگی اجتماعی

دورکیم معتقد بود که اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی (نیروی کششی که افراد یک جامعه را به هم پیوند می‌دهد) قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هم‌نوا باشند ولی اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد ممکن است مردم به سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند. (ستوده ۱۳۸۶، ۱۳۴)

به عبارت دیگر افرادی که به قوانین و مقررات جامعه علاقه دارند که ناشی از علاقه به جامعه است در رعایت آن قواعد و هنجارها کوشش بیشتری می‌نمایند. هر چند اصولاً شدت و ضعف همبستگی اجتماعی را می‌توان به کمک همین میزان رعایت هنجارها می‌سنجد. در بسیاری از جوامع روستای، سنتی و قدیمی تر نوع و درجه همبستگی اجتماعی از چنان درجه و اعتباری برخوردار است که رعایت بسیاری از هنجارها فقط به خاطر حضور یک ریش سفید در محل می‌باشد و حتی یک عتاب و خطا از سوی بزرگ محل کافی بود تا فرد خاطی برای مدت‌های طولانی شرم‌منده کار خود باشد. در مناطقی مانند استان‌های جنوب شرق ایران در جنگ‌های بین قبایل و طائفه‌ها این حکم ریش

توجهی به سمت ناکارآمدی سوق می‌دهد و چون در این دیدگاه جامعه یک مجموعه به هم پیوسته است که تمام اجزا آن همچون یک ارگانیزم زنده در تبادل نیازها و داشته‌ها با هم هستند، رسیدن به هدف مستلزم وجود اجزا و داشتن کارایی مناسب می‌باشد. در حالی که نقصان در یک بخش یا رشد سریع آن موجب بروز مشکلات اجتماعی می‌گردد.

نظریه فشار ساختاری

از دیدگاه کارکردی جوامع دارای اهدافی هستند که کارکرد اجزا کل جامعه در راستای رسیدن به آن اهداف قابل تعریف است. یک کارکرد مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت برآورده ساختن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد. (ستوده، ۱۳۸۶؛ روشر ۱۹۷۵، ۴۰) بر همین اساس برای رسیدن به اهداف یا همان رفع نیازهای جامعه به وسائلی نیازمندیم. حال اگر اهدافی در جامعه باشند که توسط کل جامعه دارای ارزش بوده و برای رسیدن به آنها تشویق شویم اما وسایل و ابزار مورد نیاز در اختیار نباشد یا آنکه داشتن این وسایل آنقدر سخت و محدود باشد که تنها گروهی خاص در اختیار داشته باشند فشار فراوانی بر افراد وارد می‌شود که افراد را وادار به کژروی می‌نماید تا به اهداف خود برسند. رابرت کی مرتن معتقد است که کج رفتاری حاصل فشارهای ساختاری اجتماعی خاصی است که افراد به کج رفتار شدن مجبور می‌کند. (مرتن ۱۹۶۸، ۱۴۸-۸۰)

همان‌گونه که در دنیای امروز قابل ملاحظه است، جهان صنعتی امروز مردم را به کار بیشتر و دست یابی به ثروت و تحصیلات تشویق می‌نماید. در حالی که انباشت ثروت و تحصیلات هدفی مشروعی برای تمام مردم و جامعه تلقی می‌گردد، و وجود ابزار لازم مانند تخصص و سرمایه برای کار و تحصیل، همه مردم را در

سفیدان است که به جای هر قانون و حکم محکم دیگری فصل الخطاب می‌باشد.

نظریه پیوند اجتماعی

همانگونه که ملاحظه شد، نظراتی که بر مبنای کنترل اجتماعی استوار هستند، معتقدند که افراد بطور کلی گرایش به عدم رعایت هنجارها دارند. اصولاً پرسشی که مطرح می‌گردد، این است که چرا افراد به هنجارها احترام می‌گذارند و آن را رعایت می‌کنند. در برابر این پرسش هیرشی اندیشه ای را بنیان نهاد که به پیوند اجتماعی معروف است. هیرشی می‌گوید آنچه که موجب می‌شود تا افراد انسانی که ذاتاً گرایش به ناهنجاری‌ها دارند، هنجارپذیر گردند، همان پیوندهای اجتماعی فرد با جامعه است. وی معتقد است افراد به دلایلی پیوندهایی با جامعه دارند که بر مبنای آن منافع خود و مرتب‌تین خود را در رعایت قواعد و هنجارها می‌دانند. دلبستگی (تعلق خاطر)، سرسپردگی یا تعهد، درگیری یا مشارکت و ایمان یا اعتقاد مجموعه مسائلی هستند که افراد را به سوی پیوند با جامعه سوق می‌دهند.

۱) **دلبستگی یا تعلق:** افراد جامعه ممکن است به نهادی، افراد یا موسسات خاصی تعلق خاطر داشته باشند. همین امر موجب می‌گردد تا افراد جامعه از دست زدن به کج روی و کژرفتاری خود داری نمایند. به همین دلیل در باور عمومی افراد متاهل به دلیل تعلق خاطر به خانواده گرایش کمتری به سوی جرم دارند یا مثلاً در سیستم اطاعت و احترام اگر فردی در جامعه برای ما بسیار مهم باشد به خاطر وی از جرم چشم پوشی می‌نماییم.

۲) **تعهد:** پرداختن افراد به فعالیت اجتماعی عموماً برای رسیدن به اهداف خاصی است که هر کس متناسب با آمال و خواسته‌هایش، آن اهداف را تعریف می‌کند. یکی به دنبال ثروت، یکی به دنبال منصب، یکی

به دنبال تحصیل، یکی تشکیل زندگی توأم با آرامش و... در نهایت این اهداف هر چه باشند، همه در راستای رسیدن به جایگاه و پایگاه قابل قبول اجتماعی است و آن هم کسب منزلت و حسن شهرت در جامعه است. همه افراد از این که جایگاه قابل احترامی در جامعه داشته باشند لذت می‌برند این اهداف اجتماعی فرد را متعهد می‌کند تا کارهای لازم برای رسیدن به آن اهداف را با قدرت و دقت پیگیری نماید.

۳) **درگیری:** مشغول شدن افراد به فعالیت‌های روزمره زندگی و اجتماعی زمان و انرژی آنها را در راستای دفع موانع و مشکلات و رسیدن به کارهای مورد نظر صرف می‌نماید. در نتیجه زمان و انرژی مازادی برای پرداختن به امور انحرافی باقی نمی‌ماند. به همین دلیل بیکاری و عدم دقت در چگونگی پر کردن اوقات فراغت از معضلات و مسائل اجتماعی است که اگر به درستی کنترل نشود موجب بروز آسیب اجتماعی می‌گردد.

۴) **ایمان و اعتقاد:** سالهاست که اندیشمندان حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی بر تاثیر اعتقادات و باورها بر کنترل رفتارها تاکید می‌نمایند هیرشی هم آخرین گزینه را اعتقاد و ایمان معرفی می‌نماید. این اعتقاد و باور به هنجارها و ارزش‌های جامعه می‌تواند مبنای دینی یا سنتی داشته باشد. ارزش‌هایی که طی سال‌های سال از پدران به فرزندان رسیده و چنان در جوامع درونی شده عبور از آنها در حد کفر می‌باشد به عنوان مثال ازدواج‌های درون عشیره‌ای که در بسیاری از مناطق کشورمان جاری است یک عبور از باورهای سنتی است، نوع پوشش، مراسم سال نو و... از اعتقاداتی است که به صورت سنتی مورد احترام مردم است. از سوی دیگر باورهای دینی و رعایت حقوق مردم و اجرای فرامین خداوند هم می‌تواند کنترل‌کننده رفتارهای افراد باشد.

کنش متقابل نمادین

دیدگاه‌های کنش متقابل نمادین بر تعامل میان هم‌نوایی و کژ رفتاری در زمینه‌های مختلف اجتماعی تاکید می‌کند. این اندیشه، رفتارها و معنی حاصل از آن را، محصول روابط میان انسان‌ها در دل جامعه می‌داند بنابراین بر دو امر تاکید می‌ورزد.

۱) نخست این که کژ رفتاری یا هم‌نوایی، چیزی جز تعریف اجتماعی نمی‌باشد. به این معنا که یک مساله می‌تواند در یک جامعه جرم یا ناهنجار باشد و در جامعه‌ای دیگر عین درستی محسوب شود و به عبارت دیگر همان استفاده از نظریه انگ‌زنی یا برچسب زنی است.

۲) دوم اینکه اگر هم ناهنجاری در یک جامعه تعریف شود انجام عمل ناهنجارانه یا بهنجار به مسائل یادگیری، فرهنگ، نوع ارتباطات و میزان ارتباطات بستگی دارد.

در دیدگاه کنش متقابل نمادین، فرد به تنهایی قابل بررسی نمی‌باشد. بلکه فرد، جامعه، روابط و ذهنیت است که مهم است. شاید برای ما هم اتفاق افتاده باشد که برای رفتن به مجلس یا مهمانی خاصی به لباس و وضعیت ظاهری خود توجه فراوانی نشان دهیم. این مساله از آنجا نشأت می‌گیرد که تفکرات دیگران در مورد ما، برایمان مهم است. این در حالی است که دیگران ممکن است حرفی به ما نزده یا اصلاً روابط آنها با ما آنقدر صمیمی نباشد که توجه خاصی به نوع و وضعیت ظاهر ما نمایند، اما با توجه به اصول هنجارهای اجتماعی و به کمک داشته‌های ذهنی خود آنها را سنجیده و در میزان سنجش فرد متقابل قرار می‌دهیم.

از نظر متفکرین جامعه‌شناسی حوزه کنش متقابل نمادین رفتارهای انسان و حیوان تفاوت دارد. درست است که حیوانات بصورت غریزی کارها را در اثر تکرار و تمرین می‌آموزند، اما انسان‌ها دارای تفکر و

استعداد هستند و اصولاً این استعداد تفکر و اندیشیدن هم با کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد. در این کنش اجتماعی انسان‌ها، معانی و نمادها را یاد گرفته و همین معانی و نمادها به انسان‌ها اجازه تعامل و کنش متقابل اجتماعی می‌دهد. این کنش‌های منطبق بر معانی و نمادها بر تفسیر انسان‌ها از همان نمادهاست. این تفسیر و تعبیر است که حوزه قدرت فراگیری انسان‌ها را گسترش می‌دهد و انسان‌ها را آموزنده صرف تعریف نمی‌کند. در عین حال هر رفتاری از انسان می‌تواند یک رفتار آشکار یا رفتار پنهان و یا تلفیقی از هر دو باشد. رفتار پنهان همان فراگرد تفکر است که معانی و نمادها را در بر می‌گیرد و رفتار آشکار رفتاری است که یک کنشگر عملاً انجام می‌دهد. (ریتزر ۱۳۸۲، ۲۸۶)

نظریه انتقال فرهنگی یا پیوند اخلاقی

بر اساس این نظریه، جامعه و دوستان و معاشران ناباب عناصر اصلی بروز رفتارهای انحرافی هستند. ادوین سادرلند که از مشاهیر این نظریه است بر این اعتقاد بود که افراد به این علت کج رفتار می‌شوند که میزان ارتباطات و تعامل آنها با افراد و گروه‌های انحرافی بیش از میزان تعامل با گروه‌ها و افراد هم‌نوا می‌باشد. در این اندیشه رفتارهای انحرافی مانند بسیاری از آداب و رفتارهای عادی زندگی در کنش متقابل با جامعه آموخته می‌شود. معاشرت با دوستان ناباب به دلایل مختلفی می‌تواند زمینه ساز مساله باشد که شاید انگیزه آن از مهمترین دلایل باشد. فرد در اثر همکار و قرار گرفتن در میان افراد کج رو هم، روش‌های انحرافی را می‌آموزد و دلایل و انگیزه‌های فراوانی برای ارتکاب آن در وی ایجاد می‌شود. جوانی که در یک گروه تبهکار قرار می‌گیرد، می‌آموزد که چگونه سرقت کند در عین حال که روش‌های سرقت را می‌آموزد، برای آنکه خود را به گروه ثابت کند حتی بدون نیاز به مسائل مالی دست به سرقت می‌زند. موفقیت در سرقت

۸) فرایند یادگیری کج رفتاری از طریق تعامل با کج رفتاران و هم‌نویان ساز و کاری مشابه انواع دیگر یادگیری دارد.

۹) کج رفتاری را که خود تجلی نیازها و ارزش‌های کلی است، نمی‌توان با همین نیازها و ارزش‌های کلی تبیین کرد.

البته در حوزه خانواده ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی که مشاهده می‌شود قابل بررسی با این نظریه می‌باشد. فرزندان خانواده به دلایل مختلفی (و حتی والدین) در هماهنگی با گروه‌ها و افراد کج رو قرار می‌گیرند و بسیاری از کج رفتاری‌ها را می‌آموزند. این کج رفتاری‌ها که در بسیاری از موارد با خواسته‌ها و فرهنگ خانواده هم‌نویایی ندارد موجب بروز اختلاف تنش و آسیب در خانواده می‌شود. کج رفتاری‌هایی چون اعتیاد، خشونت فیزیکی که به بروز آسیب‌هایی چون طلاق و خودکشی منجر می‌گردند. جدای از این که این آموختن کج رفتاری ممکن است فرد در تعامل با گروه‌های موجه بسیاری از این رفتارها را بیاموزد مانند خشونت خانوادگی که فرد به دلیل وجود این مساله در خانواده پدری یا جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند این مساله را امری عادی تلقی نماید. یا جدا شدن زوجین از هم در یک جامعه که طلاق به فراوانی در آن اتفاق می‌افتد و عملاً زشتی این کار از بین رفته یا مصرف مواد مخدر که در برخی از خانواده‌ها اعم از طبقات پایین و یا بالای جامعه رواج دارد. بنابراین زمانی که بحث گروه‌های کج رو و کج رفتاری مطرح می‌شود نباید یکسره به دنبال افراد خلافکار با سابقه قضایی باشیم. بسیاری از گروه‌های همسالان مانند دوستان مدرسه یا تیم‌های ورزشی که ممکن است اتفاقاً افرادی از طبقات موجه اجتماعی باشند در اثر تفاوت خرده فرهنگی با هم دارای تفاوت‌هایی در تعریف هنجارها و ارزش‌ها باشند.

می‌تواند یک نمره مثبت در کارنامه وی تلقی گردد یا استفاده از مواد مخدر، الکل، خشونت و... البته این نوع معاشرت و اثر آن بر فرد تابع چهار عنصر است: فراوانی، اولویت، دوام و شدت.

معاشرت با دوستان ناباب می‌تواند از جنبه‌های خاص مانند فراوانی (تکرار)، اولویت، دوام (طول زمان) و شدت تماس در فرایند یادگیری رفتارهای انحرافی باشد. هر چه سطح تماس خود با افراد گروه‌های تبهکار بر حسب این چهار متغیر بالاتر باشد احتمال کژ رفتاری بیشتر می‌شود. (ریتزر ۱۳۸۲، ۱۴۸) قرار گرفتن فرد در گروه‌های انحرافی تعریف هنجار و ناهنجاری‌ها را با هم عوض می‌کند انگیزه‌های درون‌گروهی و تلاش برای اثبات خود به سایر افراد وی را به سوی سوق می‌دهد که اهمیت و اعتبار ناهنجاری‌های مورد قبول گروه را در برابر هنجارهای مورد قبول جامعه افزایش می‌دهد. خلاصه‌ای از رویکرد سادرلند به مساله کج رفتاری به شرح ذیل می‌باشد.

- ۱) کج رفتاری یادگرفتنی است.
- ۲) کج رفتاری در تعامل با دیگران آموخته می‌شود.
- ۳) بخش اصلی یادگیری کج رفتاری در حلقه درون گروه روی می‌دهد و رسانه‌های جمعی و مطبوعات نقش دوم را ایفا می‌کنند.
- ۴) یادگیری کج رفتاری شامل آموختن فنون خلافاکاری و سمت و سوی خاص انگیزه‌ها، کشش‌ها و گرایش‌ها می‌شود.
- ۵) سمت و سوی خاص انگیزه‌ها و کشش‌ها از تعریف‌های مخالف و موافق هنجارها یاد گرفته می‌شود.
- ۶) هر فرد به دلیل بیشتر بودن تعاریف موافق تخلف به نسبت تعریف‌های موافق با هم‌نویایی با هنجارها کج رفتار می‌شود.
- ۷) پیوندهای افتراقی ممکن است از نظر فراوانی، دوام، رجحان و شدت متفاوت باشند.

فرضیات پژوهش

۱) به نظر می‌رسد میزان آسیب‌های خانواده در بین گروه‌های مختلف جانباز (نوع جانبازی) تفاوت معناداری دارد.

۲) به نظر می‌رسد بین شدت جانبازی و آسیب‌های خانواده رابطه معناداری وجود دارد.

۳) به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی جانبازان و آسیب‌های خانواده رابطه معناداری وجود دارد.

۴) به نظر می‌رسد بین میزان مشارکت اجتماعی جانبازان و آسیب‌های خانواده رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۵) به نظر می‌رسد بین میزان پایداری به ارزش‌های انقلاب اسلامی جانبازان و آسیب‌های خانواده رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش روش پیمایشی است. در پژوهش پیمایشی معمولاً محقق نمونه‌ای از جمعیت را انتخاب می‌کند و پرسشنامه‌های استاندارد شده در اختیار آنها قرار می‌دهد تا به آن پاسخ دهند.

جامعه آماری و نمونه آماری پژوهش: شامل کلیه جانبازان متاهل شهرستان ساری که مصدومیت ناشی از جراحات آنها ۲۵ درصد و بالاتر می‌باشد بر اساس اطلاعات موجود نزدیک به ۸۵۰ نفر که معلولیت آنها بالای ۲۵ درصد بوده است. با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده ۱۳۶ نفر انتخاب و مورد مصاحبه و پرسش قرار گرفته‌اند.

ابزار گردآوری اطلاعات: فیش‌برداری و پرسشنامه محقق ساخته بر اساس ادبیات و چارچوب نظری پژوهش.

تعریف مفاهیم

آسیب‌های اجتماعی خانواده: به هر نوع عمل فردی یا جمعی که در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد عمل جمعی رسمی و غیر رسمی (هنجارها و ارزشها) جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با قبح اخلاقی یا منع قانونی مواجه می‌شود گفته می‌شود و در این پژوهش یا چهار نوع مورد بررسی قرار داده شده است (اعتیاد، خودکشی، خشونت، خانوادگی، طلاق)

نوع جانبازی: شامل انواع صدمات و معلولیت‌های ناشی از جراحات که توسط کمیسیون پزشکی که سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران تعریف شده است.

شدت جانبازی: درصد معلولیت ناشی از جراحات، که توسط کمیسیون پزشکی سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران تعریف شده است.

روایی (اعتبار) و پایایی پژوهش: مقصود از روایی آن است که وسیله اندازه‌گیری بتواند خصیصه مورد نظر را واقعاً اندازه بگیرد و نه صفت دیگری (ساروخانی ۱۳۸۰، ۱۲۸) که به آن اعتبار نیز گفته می‌شود. جهت سنجش روایی پرسشنامه حاضر از نظر (اساتید صاحب نظر فن) اساتید راهها مشاور و گروهی از متخصصان رشته مذکور مورد استفاده قرار گرفته است. منظور از پایایی یا قابلیت اعتماد این است که اگر این پرسشنامه برای چند بار به صورت مجدد تکرار گردد آیا نتایج یکسانی دارد یا خیر؟ در این پژوهش نخست پرسشنامه در اختیار ۳۰ نفر از افراد جامعه قرار گرفت تا آن را برای بررسی قابلیت اعتماد پر نمایند. پس با استفاده از نرم‌افزاری آماری Spss ضریب آلفای ابزار بدست آمد (۰/۷۸) که این رقم بیانگر قابلیت اعتماد قابل قبول می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی پژوهش

یافته‌های استنباطی پژوهش

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین میزان آسیب‌های اجتماعی خانواده در بین گروه‌های مختلف جانبازی (نوع جانبازی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۱): توزیع فراوانی آسیب در خانواده‌های جانبازان

درصد	فراوانی	آسیب خانواده
۴۹/۳	۶۷	ندارد
۲۲/۱	۳۰	پایین
۲۱/۳	۲۹	متوسط
۷/۴	۱۰	بالا
۱۰۰	۱۳۶	جمع

جدول (۳): جدول Anova آزمون فرضیه اول

Sig	F	میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۵۱	۲/۷۷	۳۴/۱۷۴	۵	۱۷۰/۸۶	برون گروهی
		۱۵/۰۱۱	۱۳۰	۱۹۵۱/۴۷	درون گروهی
			۱۳۵	۲۱۲۲/۳۴	جمع

بر اساس یافته‌های جدول شماره یک ۴۹/۲ درصد از جانبازان آسیب خانوادگی نداشته‌اند ۲۲/۱ درصد پایین و ۷/۴ درصد نیز در حد بالا و چهار آسیب خانوادگی شده‌اند.

جدول (۲): توزیع فراوانی بر اساس جانبازی

درصد	فراوانی	نوع جانبازی
۳۴/۶	۴۷	شیمیایی
۸/۱	۱۱	قطع عضو
۶/۶	۹	قطع نخاع
۳۹/۷	۵۴	اعصاب و روان
۱/۵	۲	نابینا
۹/۶	۱۳	سایر
۱۰۰	۱۳۶	جمع

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول شماره ۳، میانگین آسیب‌های خانواده در بین گروه‌های مختلف با انواع متفاوت جانبازی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معنی‌داری وجود دارد (Sig=۰۰۵۱) با استفاده از آزمون Lsd تفاوت میانگین بین گروه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت و در نتیجه مشخص شد آسیب‌های خانواده جانبازانی که قطع نخاع می‌باشند، با همه گروه‌های دیگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد بین شدت جانبازی و آسیب‌های خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر اساس یافته‌های جدول شماره ۵ و مقدار معنی‌داری بدست آمده از آزمون کندال C در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری بین شدت جانبازی و میزان آسیب‌های خانواده مشاهده نگردید یعنی میزان آسیب‌های اجتماعی خانواده از شدت جانبازی تاثیرپذیر نیست.

یافته‌های جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بیشترین افراد، جانبازی آنها از نوع اختلالات اعصاب و روان یعنی ۳۹/۷ درصد می‌باشد و بعد از آن جانبازان شیمیایی قرار دارند که ۲۴/۶ درصد افراد هستند و کمترین تعداد جانبازان مربوط به جانبازی از نوع نابینایی می‌باشد که ۱/۵ درصد از نمونه مورد بررسی می‌باشد.

جدول (۴): نتایج آزمون LSD

نوع جانبازی	نوع جانبازی	تفاوت میانگین	انحراف استاندارد	Sig	۹۵٪ اطمینان	
					حد پایین	حد بالا
تشنه	قطع عضو	۳۶۱۷	۱/۲۹۷۷۱	۰/۷۸۱	-۲/۲۰۵۷	۲/۹۲۹۱
	قطع نخاع	-۳/۸۶۰۵	۱/۴۰۹۷۲	۰/۰۰۷	-۶/۶۴۹۵	-۱/۰۷۱۶
	اعصاب و روان	-۴/۵۳۱	۰/۷۷۲۹۰	۰/۵۵۹	-۱/۹۸۱۲۲	۱/۰۷۶۰
	نابینا	۲/۳۶۱۷	۲/۷۹۷۳۳	۰/۴۰۰	-۳/۱۷۲۵	۷/۸۹۵۹
	سایر	۱/۲۸۴۸	۱/۲۱۴۱۳	۰/۲۹۲	-۱/۱۱۷۲	۳/۶۸۶۸
قطع عضو	شیمیایی	-۳/۶۱۷	۱/۲۹۷۷۱	۰/۷۸۱	-۲/۹۲۹۱	۲/۲۰۵۷
	قطع نخاع	-۴/۲۲۲۲	۱/۷۴۱۴۴	۰/۰۱۷	-۷/۶۶۷۴	-۰/۷۷۷۰
	اعصاب و روان	-۱/۸۱۴۸	۱/۲۸۱۶۶	۰/۵۲۶	-۳/۳۵۰۴	۱/۷۲۰۸
	نابینا	۲/۰۰۰۰	۲/۹۷۸۳۱	۰/۵۰۳	-۳/۸۹۲۲	۷/۸۹۲۲
	سایر	۱/۹۲۳۱	۱/۵۸۷۲۶	۰/۵۶۲	-۲/۲۱۷۱	۴/۰۶۳۳
قطع نخاع	شیمیایی	۰/۸۶۰۵	۱/۴۰۹۷۲	۰/۰۰۷	۱/۰۷۱۶	۶/۶۴۹۵
	قطع عضو	۴/۲۲۲۲	۱/۷۴۱۴۴	۰/۰۱۷	۰/۷۷۷۰	۷/۶۶۷۴
	اعصاب و روان	۳/۴۰۴۷	۱/۳۹۴۹۶	۰/۰۱۶	۰/۶۴۷۴	۶/۱۶۷۲
	نابینا	۶/۲۲۲۲	۳/۰۲۸۸۰	۰/۰۴۲	۰/۲۳۰۱	۱۲/۲۱۴۳
	سایر	۵/۱۴۵۳	۱/۶۸۰۷	۰/۰۰۳	۱/۸۲۱۵	۸/۴۶۹۱
اعصاب و روان	شیمیایی	۰/۴۵۳۱	۰/۴۴۲۹۰	۰/۵۵۹	-۱/۰۷۶۰	۱/۹۸۱۲۲
	قطع عضو	۰/۸۱۴۸	۱/۲۸۱۶۶	۰/۵۲۶	-۱/۷۲۰۸	۳/۳۵۰۴
	اعصاب و روان	-۳/۴۰۷۴	۱/۳۹۴۹۶	۰/۰۱۶	-۶/۱۶۷۲	-۰/۶۴۷۴
	نابینا	۲/۸۱۴۸	۲/۷۸۹۹۲	۰/۳۱۵	-۲/۷۰۴۷	۸/۳۳۴۳
	سایر	۱/۷۳۷۹	۱/۱۹۶۹۶	۰/۱۴۹	-۰/۶۳۰۱	۴/۱۰۵۹
تشنه	شیمیایی	-۲/۳۶۱۷	۲/۷۹۷۳۳	۰/۴۰۰	-۷/۸۹۵۹	۳/۱۷۲۵
	قطع عضو	-۲/۰۰۰۰	۲/۹۷۸۳۱	۰/۵۰۳	-۷/۸۹۲۲	۳/۸۹۲۲
	اعصاب و روان	-۶/۲۲۲۲	۳/۰۲۸۸۰	۰/۰۴۲	-۱۲/۲۱۴۳	-۰/۲۳۰۱
	نابینا	-۲/۸۱۴۷	۲/۷۸۹۹۲	۰/۰۳۱۵	-۸/۳۳۴۳	۲/۷۰۴۷
	سایر	-۱/۰۷۶۹	۲/۹۴۲۸۶	۰/۷۱۵	-۶/۸۹۹۰	۴/۷۴۵۲
تشنه	شیمیایی	-۱/۲۸۴۸	۱/۲۱۴۱۳	۰/۲۹۲	-۳/۶۸۶۸	۱/۱۱۷۲
	قطع عضو	-۰/۹۲۳۱	۱/۵۸۷۲۶	۰/۵۶۲	-۴/۰۶۳۳	۲/۲۱۷۱
	اعصاب و روان	-۵/۱۴۵۳	۱/۶۸۰۷	۰/۰۰۳	-۸/۴۶۹۱	-۱/۸۲۱۵
	نابینا	-۱/۷۳۷۹	۱/۱۹۶۹۶	۰/۱۴۹	-۴/۱۰۵۹	۰/۶۳۰۱
	سایر	۱/۰۷۶۹	۲/۹۴۲۸۶	۰/۷۱۵	-۴/۷۴۵۲	۶/۸۹۹۰

جدول (۵): آزمون کندال C

Sig	T _c	انحراف استاندارد	شدت رابطه	
۰/۸۴	۰/۲۰۲	۰/۰۷۴	-۰/۰۱۵	رتبه ای تار کندال t _c
			۱۳۶	جمع

میزان رابطه متوسط و معکوس می‌باشد یعنی مشارکت اجتماعی ورود به جامعه جانبازان باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌ها آنان می‌شود.

مشارکت اجتماعی	آسیب‌های خانواده	
-۰/۲۳۳ ۰/۰۰۰ ۱۳۶	۱ ۰/۰۰۹ ۱۳۶	آسیب‌های خانواده
۱ ۰/۰۰۹ ۱۳۶	-۰/۲۳۳ ۰/۰۰۰ ۱۳۶	پایگاه اقتصادی - اجتماعی

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی اقتصادی جانبازان و آسیب‌های خانواده رابطه معنی‌دار وجود دارد. با توجه به نتیجه بدست آمده از آزمون پیرسون رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی جانبازان و آسیب‌های خانواده در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض مورد نظر تایید شد یعنی رابطه معکوس و معنی‌دار بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی جانبازان و میزان آسیب‌های اجتماعی خانواده مورد تایید واقع شد یعنی هر چه پایگاه اقتصادی اجتماعی جانبازان بالاتر باشد، میزان آسیب‌های اجتماعی خانواده پایین‌تر خواهد بود.

فرضیه ۵: بین میزان پابندی به ارزشهای انقلاب اسلامی جانبازان و آسیب‌های خانواده. با توجه به نتایج بدست آمده از جدول شماره ۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی‌دار بین میزان پابندی به ارزشهای انقلاب اسلامی جانبازان و آسیب‌های خانواده آنان مورد تایید قرار گرفت شدت رابطه $r = -0.38$ نشان‌دهنده رابطه قوی و معکوس بین دو متغیر فوق است یعنی هر چه پابندی به ارزشهای انقلاب اسلامی در بین جانبازان بیشتر باشد میزان آسیب‌های اجتماعی در خانواده آنان کمتر خواهد بود.

جدول (۶): ضریب همبستگی پیرسون

پایگاه اقتصادی اجتماعی	آسیب خانواده	
-۰/۲۲۹ ۰/۰۰۰ ۱۳۶	۱ ۰ ۱۳۶	آسیب‌های خانواده
۱ ۰ ۱۳۶	-۰/۲۹۹ ۰/۰۰۰ ۱۳۵	پایگاه اقتصادی - اجتماعی

پابندی به ارزشهای انقلاب اسلامی	آسیب‌های خانواده	
-۰/۳۸۹ ۰/۰۰۰ ۱۳۶	۱ ۰ ۱۳۶	آسیب‌های خانواده
۱ ۰ ۱۳۶	-۰/۳۸۹ ۰/۰۰۰ ۱۳۶	پابندی به ارزشهای انقلاب

فرضیه ۴: بین میزان مشارکت اجتماعی جانبازان و آسیب‌های خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از جدول شماره ۴ با سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی‌دار بین مشارکت اجتماعی جانبازان و آسیب‌های خانواده مورد تایید قرار گرفت میزان شدت رابطه بین متغیرها $r = -0.233$ نشان‌دهنده

بحث و نتیجه‌گیری

دیگران می‌سازد و در بیشتر موارد ای گروه دچار بی‌اختیاری اداری و دیگر عوارض جسمی نظیر آن می‌گردند این مساله زمینه عدم تمایل جسمی و روانی جانبازان برای حضور در جمع‌ها و فعالیت‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد از سوی دیگر مشکلات جنسی حاصل نیز عوارض خاص خود را دارد که به تضعیف روحیه و موقعیت جانباز منجر می‌گردد، تمام موارد فوق بازتاب‌ها و عکس‌العمل‌هایی را از درون خانواده به همراه دارد که زمینه ساز بروز آسیب می‌گردند) فرضیه دوم که وجود رابطه معناداری بین شدت جانبازی و آسیب‌های خانواده را مورد تاکید قرار داده به وسیله آزمون رتبه‌ای - رتبه‌ای کندال C مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش موید این واقعیت است که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی جانبازان و آسیب‌های خانواده رابطه معناداری وجود دارد.

همان طور که پیش‌بینی می‌شد هر چه جانبازان از سطح اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردار باشند، امکان بروز آسیب در خانواده‌های آنها کمتر می‌باشد. با توجه به نظریه فشار ساختاری مرتن اگر نتوان امکانات مشروع برای دستیابی به اهداف مشروع را فراهم کرد، امکان استفاده از امکانات نامشروع وجود دارد اینک جانبازی که نتوانسته از نظر اجتماعی در جایگاه قابل قبولی قرار گیرد می‌تواند با استفاده از سرمایه اجتماعی حاصل از این پایگاه و با نیاز کمتر به شرایط جسمی اهداف مادی و غیر مادی افراد خانواده را برآورده سازد. این حالت برای پایگاه اقتصادی نیز قابل تصور است. پایگاه اقتصادی قابل قبول به معنی رفاه مادی بیشتر بوده و این رفاه مادی به همراه خود امکاناتی دارد تا هم افراد خانواده برخی از کمبودهای ناشی از مشکلات جانبازی را با آن رفع نمایند و هم برای جانباز شرایط استفاده از امکانات بهتر را فراهم آورد. در مجموع این مساله به جانباز کمک می‌کند تا در نظام کارکردی خانواده کارکردی را که بر عهده دارد به انجام

وجود تفاوت معناداری میان نوع جانبازی و آسیب‌های خانواده در این پژوهش بر اساس آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) و نیز تفاوت میانگین‌ها بین گروه‌ها بر اساس آزمون‌های تعقیبی (LSD) موید این واقعیت است که آسیب خانواده در جانبازان قطع نخاعی با همه انواع دیگر تفاوت معناداری در سطح اطمینان ۰/۹۵ وجود دارد. تایید این رابطه با چهارچوب نظری در انتخاب این فرضیه هماهنگی دارد چرا که جانبازان قطع نخاع به دلیل محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی که دارند در امور خویش بیش از سایرین نیازمند کمک دیگران می‌باشند این گروه از جانبازان همواره باید از ویلچر استفاده نمایند (همانند جانبازان قطع دوپا) عوارض جمعی فراوان دیگری هم دارند که آنها را از انجام بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی و خانوادگی محروم می‌سازد. در این حالت جانباز هم اقتدار خویش را در خانواده از دست می‌دهد و هم امکان کنترل اجتماعی بر افراد خانواده را، از سوی دیگر به دلیل عدم امکان انجام وظایف متناسب با نقش در نظام اجتماعی خانواده اختلال ایجاد می‌گردد. یکی از بزرگترین مشکلات این گروه در برقراری روابط جنسی در خانواده می‌باشد که چون موضوع کاملی است نیازمند یک فرصت مطالعاتی مخصوص می‌باشد اما این مطالب به این معنی نیست که انواع جانبازان مشکل ندارند بلکه مشکلات آنها در مقام مقایسه با جانبازان قطع نخاعی قرار گرفت. بنابراین جانبازان قطع نخاع به دلیل شرایط جسمی ویژه در معرض گوشه‌گیر و انزوا قرار دارند و هم این که پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنها در معرض سقوط می‌باشد این گروه نیازمند بیشترین میزان حمایت‌های فیزیکی و روانی می‌باشند (به این دلیل که این گروه هم دچار ناتوانی حرکتی می‌باشند که در انجام بسیاری از امور ساده و روزمره مانند استحمام و... آن‌ها را نیازمند

اما مساله دیگری که خانواده‌ها و جانبازان را تهدید می‌کند مساله انزوا و گوشه‌گیری بود. جانباز خانه‌نشین و گوشه‌گیر که در عرصه‌های اجتماعی فعال نباشد در مرحله نخست با از دست دادن اعتماد به نفس و انگیزه‌های لازم برای زیستن هم جایگاه اجتماعی خود را به عنوان عضوی موثر از جامعه از دست می‌دهد و هم خانواده ممکن است به او به عنوان ناتوان مطلق بنگرد در این حالت جانباز نیازمند مطلق است که برای کوچک‌ترین کارها نیازمند دیگری است و خانواده به هنگام نیاز و مشکل نمی‌تواند روی او حساب باز کند. حضور در جامعه ضمن حذف تمامی این شرایط جایگاه قابل اتکا به جانباز در خانواده و جامعه می‌بخشد.

نتایج تحلیل یافته، رابطه معناداری بین میزان پابندی جانبازان به ارزشهای انقلاب اسلامی و آسیب‌های خانواده‌نشان می‌دهد از آنجا که پیوند میان افراد و جامعه موجب می‌گردد تا افراد به هنجارهای جامعه احترام گذاشته و در جهت رعایت آنها گام بردارند. تعلق خاطر به درک شخصیت خاص یا به مناسک و مراسم خاص زمینه‌های احترام به قوانین و قواعد مورد نظر آن شخص یا اجتماع را برای فردی که تعلق خاطر دارد، فراهم می‌آورد پابندی جانبازان بر آنچه که به خاطر آن به مبارزه پرداختند و به قواعد و ارزشهای انقلاب اسلامی ضمن اینکه موجب تقویت جایگاه و شخصیت جانباز در میان خانواده و جامعه می‌گردد، از نظر روانی و ایجاد اعتماد به نفس به وی کمک می‌کند. حاصل این اعتماد به نفس برقرار رابطه با جامعه و یا همان افزایش میزان مشارکت اجتماعی جانبازان در جامعه می‌باشد که قبلاً در مورد نتایج آن بحث کردیم از سوی دیگر با تغییر در میزان روابط جانباز با جامعه و افزایش میزان مشارکت اجتماعی ما شاهد تغییر در پایگاه اجتماعی و حتی اقتصادی جانباز خواهیم بود.

برساند. به این ترتیب هم ساختار خانواده از دید پارسونز با مساله عدم هماهنگی در اجرای وظایف و روبرو نمی‌باشد و هم اینکه جانباز از انجام وظایف و نقش‌های محول به وی در خانواده سربلند بیرون می‌آید. موفقیت در انجام وظایف ضمن اینکه شائبه عدم وجود نظارت و کنترل خانواده توسط جانباز را از بین می‌برد، بر اقتدار نقش پدر و شوهر در خانواده می‌افزاید. نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان داد بین میزان مشارکت اجتماعی جانبازان و آسیب‌های خانواده رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس نظریه همبستگی اجتماعی هر چه میزان همبستگی اجتماعی میان افراد و جامعه بالاتر باشد، فرد با جامعه هم‌نوا تر شده از هنجارها پیروی می‌نماید. مشارکت اجتماعی جانباز چه در قالب فعالیت‌های ورزشی یا گروهی با جانبازان و معلولین دیگر و چه در قالب فعالیت‌ها و تعامل با دوستان و افراد فامیل، زمینه‌های ایجاد شرایطی یک پیوند قوی میان جانباز و جامعه را پدید می‌آورد. جانباز در قالب فردی از جمع دوستان، فامیل، همکاران، هم‌زمان، و... تلاش می‌نماید تا ضمن تحکیم جایگاه خود در جمع، به منزلت و جایگاه قوی‌تر و پایداری‌تری برسد. تلاش در این راستا به معنی پذیرش و اجرای هنجارهای جمع است پذیرش این مساله و همراهی با این جمع زمینه‌ای را فراهم می‌آورد تا جانباز با درونی نمودن، این رفتارها تلاش بیشتری در رسیدن به جایگاه قابل قبولی در جامعه کند که این مسیر از میان رعایت هنجارها می‌گذرد. از سوی دیگر خانواده جانباز با درک شرایط و موقعیت جانباز دیگر نو و جدیدی درباره او پیدا می‌کند. در این دیدگاه جانباز نه تنها فردی معلول و ناتوان نمی‌باشد، بلکه او می‌تواند به عنوان عضوی مفید و موثر باشد که بسیاری از وظایف محوله و کارکردهای مورد نظر را به درستی انجام می‌دهد.

فهرست منابع و مآخذ

- بنابراین همانگونه که قبلاً هم در چهارچوب نظری پیش‌بینی شده بود و مسائل عمده‌ای که موجب بروز آسیب در خانواده‌های جانبازان می‌گردند، در نتیجه‌ی کاهش کارکرد جانباز در خانواده می‌باشد. به عبارت دیگر عوامل جسمی، روانی و اعتقادی که موجب ناتوانی یا کم‌توانی جانباز در انجام مسئولیت‌های تعریف شده اجتماعی برای مرد (پدر) خانواده می‌گردند، از اهمیت نقش وی در خانواده می‌کاهد. این کاهش نقش و به دنبال آن کاهش اقتدار، موجب ایجاد فاصله میان جانباز و خانواده از یک سو، و میان جانباز و جامعه از سوی دیگر می‌گردد. در نتیجه بروز این فاصله، هر کدام از اعضای خانواده به دنبال پر کردن این خلا می‌روند که ممکن است مسیر انتخابی از میان آسیب‌ها و هنجارشکنی‌ها عبور نماید. در بررسی‌های انجام شده به این نتیجه رسیدیم که عوامل ارائه شده در چهار نظریه به صورت مستقیم هم با توجه به نتایج آمار استنباطی و هم با توجه به نتایج آمار توصیفی بر میزان آسیب‌ها در خانواده‌های جانبازان موثرند (این چهار عامل عبارتند از نوع جانبازی، میزان مشارکت اجتماعی جانباز، پایگاه اجتماعی - اقتصادی جانباز، میزان پابندی به ارزشهای انقلاب اسلامی). اما دو عامل دیگر یعنی زمان ازدواج و شدت جانبازی از نظر آمار استنباطی رابطه مستقیم ندارند. در عین حال به صورت عوامل واسطه و با اثرگذاری بر سایر عوامل می‌توانند بر آسیب‌ها موثر باشند. اثر این عوامل در آمار توصیفی قابل ملاحظه بود.
- ۱) آراسته خو، محمد، (۱۳۶۹)، فرهنگ جامعه شناسی، انتشارات چاپخش
 - ۲) آرکورتز، نورمن، (۱۳۷۴) مقدمه ای بر آمار در علوم اجتماعی، ترجمه حبیب الله تیموری، نشر نی
 - ۳) آرون، ریمون، (۱۳۸۲) مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 - ۴) آزاد، حسین، (۱۳۷۲)، آسیب شناسی روانی، انتشارات بعثت
 - ۵) آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۸۳)، نظریه های جامعه شناسی، انتشارات سروش
 - ۶) اسلامی نسب، علی، (۱۳۷۱) بحران خود کشی، انتشارات فردوس
 - ۷) اعزازی، شهلا، (۱۳۸۰)، خشونت خانوادگی، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۴
 - ۸) اعزازی، شهلا، (۱۳۸۴)، قتل های ناموسی، روزنامه ایراندوشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۸۴
 - ۹) اعزازی، شهلا، (۱۳۸۰)، جامعه شناسی خانواده، انتشارات روشنگران
 - ۱۰) بیبی، ارل، (۱۳۸۴)، روشهای پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، انتشارات سمت
 - ۱۱) بهنام، جمشید، (۱۳۵۰)، ساخت های خانواده و خویشاوندی در ایران، انتشارات خوارزمی
 - ۱۲) بطحائی، مهدی، (۱۳۴۶)، تثبیت خانواده، انتشارات دانشگاه تهران
 - ۱۳) بیرامی، منصور، (۱۳۷۸)، خانواده و آسیب شناسی آن، انتشارات آیدین
 - ۱۴) توسلی، غلام عباس، (۱۳۸۰) نظریه های جامعه شناسی، انتشارات سمت
 - ۱۵) بیرو، آلن، (۱۳۶۸)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان

- ۱۶) دلاور، علی، (۱۳۸۱)، روش پژوهش در روانشناسی و علوم تربیتی، انتشارات ویرایش
- ۱۷) دواس، دی‌ای، (۱۳۸۳)، پیمایش در پژوهش، ترجمه هوشنگ نائینی، نشر نی
- ۱۸) رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۷)، کندوکاوها و پنداشته‌ها، شرکت سهامی انتشار
- ۱۹) رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۴)، تکنیک‌های خاص در روش پژوهش، شرکت سهامی انتشار
- ۲۰) رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸) آنومی یا آشفتگی اجتماعی، شرکت سهامی انتشار
- ۲۱) روح‌المینی، محمود، (۱۳۶۸)، مبانی انسان‌شناسی (گرد شهر با چراغ)، انتشارات عطار
- ۲۲) روشه، گی، (۱۳۸۴)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی
- ۲۳) ریتز، جورج، (۱۳۸۲)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی
- ۲۴) ساروخانی، باقر، (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش
- ۲۵) ساروخانی، باقر، (۱۳۸۰)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، انتشارات سروش
- ۲۶) ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان
- ۲۷) ستوده، هدایت‌الله، بهاری، ایرج، (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی، انتشارات ندای آریانا
- ۲۸) ستوده، هدایت‌الله، کمالی‌سیف‌الله، (۱۳۸۶a)، آسیب‌شناسی خانواده، انتشارات ندای آریانا
- ۲۹) ستوده، هدایت‌الله، (۱۳۸۶b)، جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، انتشارات ندای آریانا
- ۳۰) ستوده، هدایت‌الله، (۱۳۸۶c)، آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات ندای آریانا
- ۳۱) سخاوت، جعفر، (۱۳۶۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی، جزوه درسی دانشگاه علامه طباطبایی
- ۳۲) سرائی، حسن، (۱۳۸۲) مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در پژوهش، انتشارات سمت
- ۳۳) سگالن، مارتین، (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، انتشارات سعدی
- ۳۴) شارون، جوئل، (۱۳۸۰)، ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی
- ۳۵) شاکرمی، عبدالحسین، (۱۳۶۸)، مواد مخدر و اعتیاد، انتشارات میر
- ۳۶) شکر بیگی، عالیه، (بی‌تا)، آسیب‌شناسی نظام خانواده در ایران، خشونت خانوادگی، سایت جامعه‌شناسی ایران
- ۳۷) شکر بیگی، عالیه، (بی‌تا)، ناهنجاری‌های دختران، سایت جامعه‌شناسی ایران
- ۳۸) شیخی، محمد تقی، (۱۳۶۸) جامعه‌شناسی جمعیت، نشر آرام
- ۳۹) شیخاوندی، داور، (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی ایران، نشر قطره
- ۴۰) صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله، (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی، نشر آن
- ۴۱) طالقانی، محمود، (۱۳۸۱) روش پژوهش نظری، نشر نگار قم
- ۴۲) عضدانلو، حمید، (۱۳۸۴)، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، نشر نی
- ۴۳) علیپور، محبوبه، (۱۳۸۵) زنان و آسیب‌های اجتماعی، و سایت جامعه‌شناسی ایران
- ۴۴) فاضل، رضا، (۱۳۸۲)، مشاوره خانواده، جزوه آموزشی پودمان مشاوره خانواده دانشگاه جامع علمی و کاربردی
- ۴۵) فرجاد، محمد حسین، (۱۳۷۲) آسیب‌شناسی اجتماعی، نشر منصوری
- ۴۶) قنادان، منصور، (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی، انتشارات آوای نور

- 64) Harries. K. D(1974)The Geography of Crime and justice(New York :Mc Gram-Hill Book co)
- 65) Hagan,John(1988)Modern Criminology(New York :Mc Gram-Hill Book co)
- 66) Kendall, Diana(2003)Sociology(3ed)-(Belmont :Wadsworth publishing company)
- 67) Mooney, Linda(2003)Social problems(Belmont :Wadsworth publishing company)
- ۴۷) کوزر، لوئیس، (۱۳۸۲)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی انتشارات علمی
- ۴۸) کوئن، بروس، (۱۳۸۴)، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات توتیا
- ۴۹) کیوویستو، پیتر، (۱۳۸۵)، اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی
- ۵۰) کی نیا، مهدی، (۱۳۷۳)، پژوهشی در عوامل اجتماعی طلاق، نشر مطبوعات دینی
- ۵۱) گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۳)جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی
- ۵۲) محسنی، منوچهر، (۱۳۶۷)، مقدمات جامعه شناسی، نشر مولف
- ۵۳) محسنی، منوچهر، (۱۳۶۵)خودکشی، نشر مولف
- ۵۴) ممتاز، فریده، (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی نظریه ها و دیدگاهها، شرکت سهامی انتشار
- ۵۵) مینوچین، سالوادور، (۱۳۷۳)، خانواده و خانواده درمانی، ترجمه باقر ثنائی، انتشارات امیر کبیر
- ۵۶) نوذری، حسنعلی، (۱۳۸۰)، پست مدرنیته و پست مدرنیسم، انتشارات نقش جهان
- ۵۷) نوذری، حسنعلی، (۱۳۸۰)، مدرنیته و مدرنیسم، انتشارات نقش جهان
- ۵۸) وثوقی، منصور، نیک خلق، علی اکبر (۱۳۸۴)، مبانی جامعه شناسی، انتشارات بهینه
- ۵۹) سایت جامعه شناسی ایران
- ۶۰) سایت انجمن جامعه شناسی ایران
- 61) Bandura,A and Walters ,R(1963) Social learning and personality development (New York: Holt, Rinehart)
- 62) Bell,R. R(1983)Marriage and family interaction(6ed,Homed Wood ,IL :Dorsey Press)
- 63) Dood,C. B(1998)Sociology (New York :Holt)